

تشکله‌ها و نظام‌های بهره‌برداری

# ساماندهی بخش کشاورزی در فرآیند تحقق جامعه مدنی

دکتر مصطفی مهاجرانی

نوشته‌ای که در زیر قرائت می‌فرمائید متن سخنرانی آقای دکتر مصطفی مهاجرانی است که به دعوت انجمن ارتقاء کشاورزی در دانشکده کشاورزی کرج ایراد گردیده است. با اینکه اجلاس مزبور در سال ۱۳۷۷ برگزار شده، محتوای مقاله هنوز تازگی و طراوت خود را از دست نداده و در حال حاضر که بحث کشاورزی و مشارکت مردم بار دیگر رونقی گرفته، مناسب دانستیم این متن را در اختیار خوانندگان عزیز و بخصوص جوانان علاقمند قرار دهیم تا هم از تحولات ۴۰ ساله اخیر کشاورزی باخبر شوند و هم با تفکرات پژوهشگران دلسوز مملکت و نقطه نظر آنها آشنا گردند. دکتر مهاجرانی از همان سالهای ۴۰ سرگرم کار تحقیق و تدریس و تحریر مقالات کشاورزی بود و از اینکه با درج نوشته با ارزش خود در این مجله، موافقت فرمودند نهایت تشکر را داریم.

سر دبیر



## ۱- معرفی:

مروری بر سیر تحولات و دگرگونیها در جامعه روستایی ما نشان می دهد که طی سی و پنج سال گذشته بخش کشاورزی ایران دچار افکار التقاطی و به عاریت گرفته شده از شرق یا غرب بوده و برنامه ریزی ها و سیاستگزاریها و عملیات اجرایی، تحت مدیریت مستقیم و وسیع دولت بدون جلب مشارکت کشاورزان انجام شده است. این باور اشتباه سبب شده که جامعه روستایی ما نهادمند نشده و امور آن پس از این مدت طولانی همچنان بی سروسامان باقیمانده است.

نهادهای به عاریت گرفته شده مانند تعاونی های روستایی، اتحادیه آنها، شرکتهای سهامی زراعی، شرکتهای کشت و صنعت و واحدهای بزرگ دولتی که برای جانشین کردن روستائیان و نهادهای آنان بوجود آمد، سازمانهای عمران منطقه ای، قطب های آب و خاک، طرح های جامع، طرحهای خطوط کلی توسعه نواحی، حوزه های عمران روستایی، مراکز خدمات روستایی و عشایری و بالاخره شرکتهای تعاونی تولید روستایی که زارعین بخاطر کمکهای بلاعوض که دریافت می کنند تا حدی با آن، موافقت بقیه هیچ گاه مورد پذیرش روستائیان قرار نگرفته اند.

هنگامی که بی حاصلی اقدامات فوق آشکار می شود

بهر حال پاسخ هائی داده می شود، یکی از

مسئولین بلندمرتبه بخش کشاورزی طی

مصاحبه ای با خبرنگار مجله اطلاعات

سیاسی و اقتصادی شماره ۶۸-۶۷

چنین اظهار میدارد: یک بازرنگری

ضروری است تا مشخص شود در

ربع قرن گذشته یعنی دقیقاً از تقسیم

اراضی چه سیاستهایی برای بخش

کشاورزی بکار گرفته شده و کدام

تا به امروز استمرار داشته است،

یعنی هنوز مورد استفاده قرار می

گیرد. در مطلوبیت بسیاری از این

سیاست ها باید شک کرد و به تجدیدنظر

و اصلاحات عمیق آنها پرداخت. شاهد

هستیم که این شخص بیش از ده سال است که

مسئولیت قسمت عمده بخش کشاورزی را بعهده داشته

و نه تنها اقدام مؤثری در این مورد بعمل نیاورده بلکه با توجه به

دیدگاههای خود با پافشاری تمام از این ارثیه شوم تحمیلی رژیم

گذشته که باعث فقر و بدبختی و فلاکت جامعه روستایی شده صدقانه

پاسداری می نماید.

مسئول دیگری از بخش، حاصل عملکرد آنها را ارزیابی کرده و باین

شرح اظهار نظر نموده است 'جامعه روستایی ایران از دیرباز دستخوش

نابسامانیها و نارسائی هائی بود که متأسفانه در سیاستگزاریها و آینده

نگرهای کلان و جامع چه در گذشته و چه در حال کمتر به آنها

پرداخته شده است. هرچند که در اهداف کلی و راهبردهای کلان

توسعه در هر یک از برنامه های جامع توسعه اقتصادی و اجتماعی

کشور، فرازاها، خط مشی ها، توصیه ها و در برخی موارد (برنامه

عمرانی چهارم و پنجم) سیاستهای نسبتاً مشخص برای توسعه جامعه روستایی مورد نظر قرار گرفته اما بدلیل ناهماهنگی و عدم انطباق اینگونه سیاستها با بافت اقتصادی و اجتماعی جامعه روستایی توفیق چندانی حاصل نگردیده و در پاره ای از مقاطع، مشکلات و مسائل جامعه روستایی تشدید نیز شده است. آهنگ مهاجرت از روستا به شهر هر چند که در روند توسعه و صنعتی شدن هر کشور اجتناب ندارد، لاجرم تنشهای اجتماعی و اقتصادی را هم در جامعه روستایی ندارد. لاجرم تنشهای اجتماعی و اقتصادی را هم در جامعه روستایی دامن می زند و این روند آشنای رویدادهایی است که طی بیست سال آخر به تبع سیاستهای توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور به وقوع پیوسته و آثار ناگواری نیز در جامعه روستایی ایران به شکل روستاهای تخریب و تخلیه شده با گسترش حاشیه نشینی در شهرها و کاهش درآمدها و تولید در بخش کشاورزی در مقایسه با سایر بخش ها شکاف فاحشی بین درآمد شهری و روستایی ۰۰۰ بر جای گذارده اند (۱).

در واقع برداشت ریشه ای مسئولین بخش کشاورزی اینست که

روستائیان و نهادهای آنان همانند صغاری هستند که

هیچ گاه به بلوغ نخواهند رسید و پیوسته

دستگاههای دولتی باید قیم و ارباب آنها

باشند. این برداشت نامعقول را فقط می

توان در آثار مارکس، انگلس، لنین و

استالین ملاحظه کرد. مارکس در

بیانیه اشتراکی صحبت از حقم و از

خود بی خبری زندگانی روستایی به

میان می آورد. در جلد یکم سرمایه

بدفعات صنعت مترقی را در مصاف

با بهره برداری روستایی به شیوه

عادات قدیمی غیر عقلانی قرار می

دهد. در جلد سوم به خرده مالکیت

اراضی که مولد یک طبقه بربر است و

بگونه ای در حاشیه جامعه زندگی می کند و

برایشان زمختی صدور اجتماعی بدوی و مصائب

و فلاکت کشورهای متمدن یکجا جمع شده است

می تازد (۲).

بی توجهی به واقعیات موجود سبب شده که جامعه روستایی

همچنان وابسته به دولت باقیمانده است. تفکر حاکم بر این بخش

بیشتر بیانگر اندیشه سنتی رابطه دولت و مردم یعنی رابطه سلطان و

رعیت، چوپان و رمه یا بصورت پدر و اعضای صغیر یا ولی و اولاد

خانواده است.

در حالیکه در اندیشه مدرن، دولت خادم مردم است نه مخدوم و

وظیفه دولت مدیریت اقتصادی جامعه نیست بلکه نگرهبانی از آنست و

برای مردم تعیین وظیفه نمی کند بلکه مردم تکالیف دولت را تعیین

می نمایند (۳).

در سرمقاله مجله سنبله شماره ۹۴ عملکرد مسئولین بخش بشرح

## بی توجهی به واقعیات

## موجود سبب شده که جامعه

## روستایی همچنان وابسته به

## دولت باقیمانده است. تفکر حاکم بر

## این بخش بیشتر بیانگر اندیشه

## سنتی رابطه دولت و مردم یعنی رابطه

## سلطان و رعیت، چوپان و رمه یا

## بصورت پدر و اعضای صغیر یا

## ولی و اولاد خانواده است.

دولت در طی سی و پنج سال گذشته پرداخته شود و سپس به بررسی چگونگی شکل دادن به جامعه مدنی در بخش کشاورزی و ساماندهی این بخش پرداخته شود.

## ۲- کالبد شکافی روابط بین کشاورزان و دولت الف- دهه و روابط تولیدی:

آثار باستانی کشف شده در ایران مؤید آنست که انسان بین ۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ سال قبل از میلاد مسیح روستانشینی را انتخاب کرده و تقریباً رابطه ارباب رعیتی به عنوان یک نظام اقتصادی بر این جامعه حاکم بوده است. مدتهای مدید مناسبات اقتصادی و اجتماعی بر همین محور می چرخیده و دولت محلی از اعراب در این رابطه نداشته است.

دهه به مثابه یک واحد اقتصادی و اجتماعی مستقل شناخته می شد. رعایا در سازمان مشترکی که زیر نظر ارباب یا نماینده او اداره می شد با برخورداری از سه خصیصه مدیریت، اعتبار و تخصص به کار اشتغال می یافتند. حاصل کار آنها هم بر حسب نحوه

تأمین عوامل تولید (که بین یک پنجم تا یک دوم متغیر بود) تقسیم می شد. عبارت دیگر

مباشراً مالکان کلیه نیازهای اجتماعی و اقتصادی رعایا را در جامعه شهری و قشرهای گوناگون آن تأمین می کردند،

بدین سان به نفوذ و اقتدار ارباب هم واقفیت می بخشیدند. تعیین زمین،

نوع محصول و مقدار آن به صورت یکنواخت توسط مالک مشخص می شد. خدمات مورد نیاز، برنامه

کاشت، داشت و برداشت (شامل مساعده، تقاوی و غیره) توسط مالک تأمین

می گردید. شکل و سازمان تولید به صورت دسته جمعی و بنام های «بنه»، «صحرا»، «حرانه»،

طاق و دانک بود. بدین ترتیب این نهاد مردمی و برخاسته از هزاران سال تجربه نه تنها هزینه ای بر خزانه تحمیل

نمی کرد بلکه از طریق پرداخت مالیات املاک مزروعی، به خزانه دولت نیز کمک می کرد.

حاصل کار در این نظام (ارباب رعیتی) را با توجه به برخی ارقام می توان مشاهده کرد. از آغاز دهه ۱۳۴۰ بیش از ۷۰ درصد جمعیت

ایران به کشاورزی وابسته بودند آنها بیش از ۲۵ درصد درآمد ملی را تولید نموده و موجبات اشتغال ۴۶ درصد نیروی انسانی کشور را فراهم می کردند.

در سال ۱۳۴۱ چنین تشخیص داده شد که اولین قدم در راه توسعه

کشاورزی و انتقال از مرحله سنتی به مرحله صنعتی، محور نظام ارباب رعیتی از طریق اجرای قانون اصلاحات ارضی است (تقسیم اراضی).

هدف اصلی این اقدام انتقال زمین از بزرگ مالکان به زارعان سهم بر بود. تصور بر این بود که اگر زارع مالک زمین خود باشد تمام

مشکلات توسعه کشاورزی بصورت آنی حل خواهد شد. این اقدام نسنجیده از لحاظ فنی و اقتصادی و اجتماعی سبب گردید که سه عامل

زیر مورد ارزیابی قرار گرفته است: برنامه هائی که در زمینه توسعه کشاورزی تهیه و به اجرا درآمده همگی پسندیده و مطلوب هستند اما نتیجه آنها فقط عاید اقشار محدودی می گردد و تا بحال برای آینده کشاورزان خرده پا این اکثریت خاموش روستاها فکر اساسی نشده و در واقع قشر آسیب پذیر دهات مملکت همین افراد هستند که به محض بروز خشکسالی، طغیان ناگهانی یک آفت، اولین سانحه و فاجعه طبیعی، ده، مزرعه، خانه و روستا را ترک می گویند و آواره شهرها می شوند که تازه در محیط جدید با دشواریهای تازه مواجه می گردند و در ضمن مشکلات اجتماعی فراوانی برای جامعه شهری به وجود می آورند و حال آنکه در محیط روستا برای این خیل عظیم زحمتکش و تهی دست و خاموش، اگر برنامه ها و طرحهائی تهیه و با اجرا در آید هم از نظر اقتصادی و هم از جنبه های اجتماعی، هزینه و عوارض کمتری خواهد داشت.

بیماری مزمن نظام دولت رعیتی یا دولت سالاری مسبب همه نابسامانی های بخش کشاورزی است. این مسئله با

برداشت های موجود و دیدگاههای حاکم نه تنها قابل حل نیست بلکه روزبروز تشدید

میگردد. تنها چاره کار را می توان در نهادمند شدن جامعه روستائی جستجو

نمود.

ریاست محترم جمهوری در تاریخ ۷۶/۱۰/۲ در وزارت کشاورزی خطاب

به کشاورزان این چنین ارانه طریق می نمایند شما با تشکیل نهادهای

صنعتی تولیدی می توانید در شکل دادن به جامعه مدنی کمک کنید و ضمناً

مشکلات خود را نیز برطرف سازید. مشارکت مردم را در سرنوشت خود در

تمامی بخشها از ارکان مهم جامعه مدنی میدانیم و در این راه کشاورزان باید تلاش کنند تا نقش داشته

باشند. به کشاورزی باید به عنوان یکی از پایه های امنیت ملی نگاه کرد. مدنیت انسان با بسط کشاورزی تحقق می یابد. برنامه ریزی سالم و

صحیح و دست یابی به توسعه مطلوب مستلزم آنست که کشاورز از جایگاه برتری برخوردار گردد.

در قبال نظرات ارائه شده توسط ریاست جمهوری، وزیر کشاورزی در مصاحبه ای با مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی (شماره ۱۲۶-۱۲۵)

جامعه مدنی را چنین تعریف می نمایند (بنظر من جامعه مدنی باید جامعه ای شکل یافته در چارچوب قوانین همراه با تعهد در رعایت

قوانین و ضوابط باشد در چنین جامعه ای اختیار مردم در دست خودشان است و ما برای آنها قیم نمی تراشیم اما در عمل ملاحظه

می شود که بیش از سی و پنج سال است که دولت واقعاً قیم روستائیان بوده و روستا و روستائیان را دچار وضع اسفناکی ساخته که بنظر

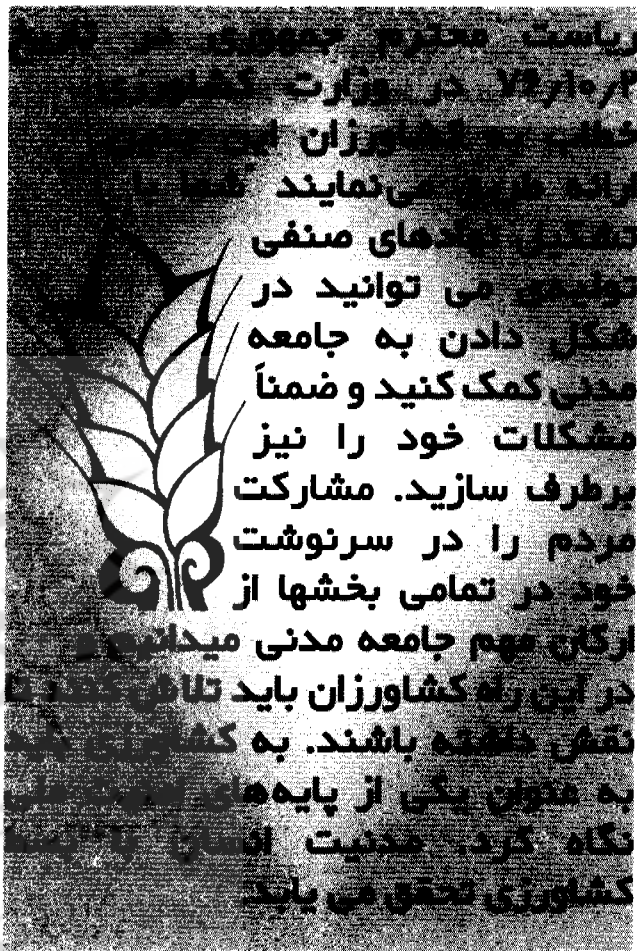
نمی رسد که به آسانی قابل اصلاح باشد. حال برای شکل دادن به جامعه مدنی و فراهم نمودن زمینه مشارکت هر چه بیشتر روستائیان در سرنوشت خود لازم است به کالبد شکافی روابط بین کشاورزان و



مدیریت، اعتبار و تخصص بلافاصله و بدون آنکه جانشینی برای این عوامل بوجود آمده باشد از جامعه روستائی رخت بر بندد، بنابراین برای جلوگیری از اختلال مدیریت واحدهای تولیدی درمانهای مشروحه زیر یک به یک مورد آزمایش قرار گرفت ولی متأسفانه هیچ یک از این درمانها نتوانست موثر واقع شده و جامعه روستائی را نهادمند کند. در نتیجه وخامت اوضاع کشاورزی روزبروز بیشتر شد.

### ب- ایجاد شرکت های تعاونی روستائی:

ایجاد تعاونی روستائی برای جانشینی عوامل سه گانه مدیریت، اعتبار و تخصص در نظر گرفته شد، البته بصورت اجباری یعنی اینکه



هر کس داوطلب دریافت زمین بود باید عضو تعاونی روستائی بشود، تا زمین به او واگذار شود. در غیر اینصورت از دریافت زمین محروم می شد. این نهاد توسط روستائیان تشکیل نگردید بلکه مأمورین دولت آنها را برای زارعین تشکیل دادند، در حالیکه مهمترین اصل تعاون، مشارکت و همیاری دلخواه داوطلبانه آن هم از روی نیاز نه اجبار می باشد. با توجه به سنت های تعاونی رایج در جامعه روستائی این اقدام می توانست به صورت داوطلبانه اجرا شود و در نتیجه نهاد مفید و موثری باشد. متعاقباً بعلت فقدان کاربرد موثر و مفید، تعاونی های روستائی مجبور شدند اتحادیه تعاونی روستائی، سازمان مرکزی تعاونی روستائی و بالاخره بانک تعاون کشاورزی را بوجود آورند. این پرستاری دلسوزانه دولت موثر واقع نشد، تولید بطور مداوم رو به

کاهش نهاد، آهنگ مهاجرت روستائیان از سرزمینهای آباء و اجدادی که شدیداً بدان وابسته بودند سریعتر گردید. ناچار بخش اعظم امور اجرایی ماند و آزمندانه به این تعاونی ها به چشم یک ارگان دولتی نگریست، نه نهادی برای کار و فعالیت جمعی و حل مشکلات تولید از طریق تعاون. حاصل عملکرد دولت در این زمینه آن شد که بعد از سی و پنج سال سرمایه هر زارع در این تعاونی ها به کمتر از ۴۰,۰۰۰ ریال رسید، ولی هزینه هایی که دولت بابت آنها پرداخت می کرد چندین برابر شد. بعبارت دیگر دستم بگیرفت و پا به پا برد، در سی و پنج سالگی هم نتوانست روش راه رفتن را بیاموزد.

### ج- ایجاد شرکتهای سهامی زراعی:

ناکامیهای حاصل از اقدامات نسنجیده، مسئولان را وادار کرد که در صدد چاره جویی برآیند تا بتوانند جای خالی مدیریت، اعتبار و تخصص را پر کنند.

چون شناختی از جامعه روستائی و روستائیان نداشتند و بر این باور هم نبودند که اگر امور بخود روستائیان واگذار شود چقدر می تواند موفقیت آمیز باشد. ناچار به اقتباس کورکورانه از خارج آنهم الگویی شکست خورده برآمدند (شوروی سابق و اسرائیل). با آنکه اعتبارات عمرانی به وفور در اختیار این شرکتها قرار می گرفت، باز هم برای حیران هزینه ها و کمبود درآمدها کشت تریاک که از مدتها قبل در سراسر کشور ممنوع شده بود انحصاراً در اختیار این شرکتها قرار گرفت و عملکرد شرکت های سهامی زراعی با گزارش های فریبنده، کاملاً اقتصادی نشان داده می شد. لیکن با وجود اینهمه تسهیلات و خدمات، درآمد هر سهم از سهام این شرکتها معادل نصف درآمد آب و زمین افراد غیر عضو بود.

ایجاد این شرکتها بوسیله دولت بصورت دستوری و دادن سهم به زارع، احساس مالکیت را از زارع سلب نمود و آموزشی که به آنها داده می شد آموزش بردگی بود. یعنی اینکه همیشه مدیر دولتی ارباب است و آنها یعنی زارعین هم رعیت آنها. در واقع آن سیاست تجربه ای نبود که روستائیان بر اساس آن بتوانند امور خود را اداره نموده و به تدریج از وابستگی به دولت رهائی یابند. در نتیجه عده ای از زارعان بصورت کارگری ساده یعنی مزدور باقیماندند. بقیه که این سیستم را مراتب بدتر از نظام ارباب رعیتی میدانستند به شهرها مهاجرت نمودند. به هر حال نتایج مورد نظر طراحان این فکر نه تنها در آن زمان، بلکه بعد از سه دهه هم بدست نیامد و شرکتهای سهامی زراعی باقیمانده همچنان بصورت واحدی دولتی باقیماندند تا اینکه کشتیبان را سیاستی دگر آمد.

### د- ایجاد واحدهای کشت و صنعت:

نهادمند نشدن جامعه روستائی و عدم موفقیت های پی در پی در زمینه تولیدات کشاورزی و سرازیر شدن سیل مهاجرین روستائی به شهرها، دولت را وادار کرد برای حیران گرفتاریهای جامعه روستائی که خود آنها را بوجود آورده بود، بدنبال راه حل دیگری بگردد و بظاهر کشاورزی را هم صنعتی کند. ایجاد واحدهای کشت و صنعت مورد توجه قرار گرفت. برای ایجاد این واحدها قانونی گذشت. بموجب این قانون مقرر گردید که سیصد هزار هکتار از اراضی زیر سدها یعنی بهترین اراضی آبی کشور در اختیار این نوع شرکت گذارده شود. این

رقم سیصد هزار هکتار هنوز بعد از سی و پنج سال بقوت خود باقی است. یعنی ادعای مسئولان بخش کشاورزی همان سیصد هزار هکتار است که در برنامه های گذشته آمده است. پس از مدت کوتاهی که از مشارکت شوم سرمایه گذاران خارجی، داخلی و دولت گذشت و هزینه های هنگفتی هم از خزانه دولت پرداخت شد، همه آرزوها بر باد رفت زیرا بر اثر اشتباه در فروض اولیه در زمینه بازده در واحد سطح، درآمد و هزینه با یکدیگر مطابقت نداشت و بدهی سرسام آور شد و بالاخره بانک توسعه کشاورزی سابق ناچار به صدور اجرائیه گردید و از این شرکت ها خلع ید شد. نتیجه ای که از این کار بدست آمد این بود که تصور میرفت که با استفاده از نیروهای متخصص و سرمایه های داخلی و خارجی نیازمندیهای کشور از نظر مواد غذایی تأمین شده و از امکانات موجود حداکثر بهره برداری بعمل می آید. این انتظار برآورده

نشد بلکه بر اثر اجرای واحدهای کشت و صنعت، کشاورزان از خانه و کاشانه چندین هزار ساله خود آواره شدند. مالکیت زمین که امید می رفت عامل مؤثر در افزایش توسعه و بهره وری باشد، حاصل نشد بلکه با سلب مالکیت زمین و خریداری به ثمن بخش از آنها سبب گردید که آواره شهرها شوند و مسائل شهرها را چندین برابر کردند. آن تعداد از زارعین هم که باقیمانده به کارگری وادار و بصورت مزدور، حقوق بگیر دولت شدند. بهر حال مشارکت نیروهای مختلف و سرمایه های عظیم نتوانستند این نهاد به عاریت گرفته شده از غرب را مثمرتر گردانند.

**ه - واحدهای بزرگ دولتی:**

فکر ایجاد این واحدها در واقع ملهم از کشورهای

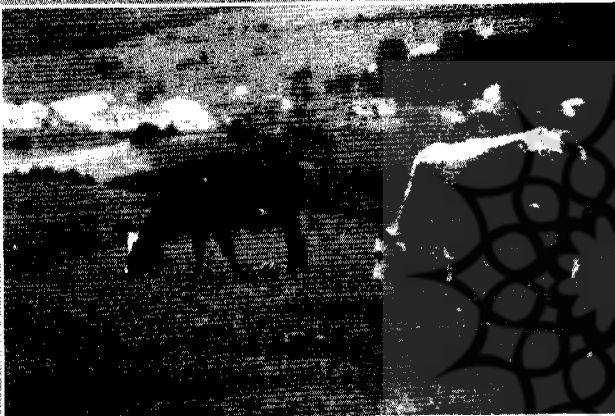
سوسیالیستی بود. تصور می شد که ایجاد این واحدها می تواند جبران کاهش محصولات کشاورزی را نموده و با سرمایه و مدیریت دولتی و بکارگیری متخصصان، جانشینی برای روستا و روستائیان باشد و موجبات توسعه کشاورزی را فراهم کند ولی این نوع درمان هم نتوانست مؤثر واقع شود. زیرا این شرکت ها چون ماهیت دولتی داشتند همه امور آنها بدون توجه به جنبه های اقتصادی، فنی و مالی انجام می شد و پیوسته جزو شرکتهای زیانده و اعانه بگیر محسوب می شدند. عملکرد این واحدها هیچگاه مبنای اقتصادی، اجتماعی و حتی فنی را هم نداشتند و حداقل سود متناسب با حجم سرمایه های بکار رفته را نمی دادند و حاصل عملکرد آنها نه تنها سود سرمایه متداول در نظام بانکی را نمی دهد بلکه پاسخگویی اجاره زمین و آب

بکار گرفته شده هم نمی باشد. هر روز زبان انباشته آنها فزونی یافته و هیچ توجیه یا منطقی هم در مورد این عملکرد نامتناسب ارائه نمی شود. مقایسه عملکرد نظام دهقانی با عملکرد این واحدها خود گویای حقایق بسیاری می باشد. اگر این مقدار زمین و آب تنظیم شده و سرمایه های هنگفت در اختیار دهقانان قرار می گرفت نمیتوانست واقعاً مملکت را از اینهمه واردات (۵ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۶) هنگفت بی نیاز نماید؟

### و - ایجاد شرکتهای تعاونی تولید روستائی:

بدنبال نارضایتی هائی که شرکتهای سهامی زراعی بوجود آورده بودند قانون تعاونی کردن تولید و یکپارچه نمودن اراضی در سال ۱۳۵۱ بتصویب رسید. گرچه اعضاء تعاونیهای تولید روستائی نسبت به اعضاء شرکت های سهامی زراعی آزادی عمل بیشتری داشتند ولی باز

## در سال ۱۳۴۱ چنین تخصص داده شد که اولین قدم در راه توسعه کشاورزی و اصلاح از مرحله سنتی به مرحله صنعتی معسو نظام آریای رعیتی از طریق اجرای قانون اصلاحات ارضی است. تصور بر این بود که اگر زارع مالک زمین خود باشد تمام مشکلات توسعه کشاورزی بصورت آئسی حل خواهد شد. این اقدام نسنجیده از لحاظ فنی و اقتصادی و اجتماعی سبب گردید که سه عامل «مدیریت»، «اعتبار» و «تخصص» بلاقائمه و بدون آنکه جانشینی برای این عوامل بوجود آمده باشد از جامعه روستائی رخت بر بندد. در نتیجه وخامت اوضاع کشاورزی روز بروز بیشتر شد.



هم اداره امور این شرکت ها بوسیله مأمورین دولت انجام می شد و عملیات زیربنائی هم کلاً به عهده دولت بود. وام و اعتبارات خاصی به اعضاء شرکتهای تعاونی تولید روستائی بوسیله دولت پرداخت می شد و درآمدها پس از کسر هزینه ها به نسبت میزان سهام صاحبان نسق بین آنها توزیع می گردید. مشکلاتی که در این زمینه وجود دارد بشرح زیر شناسائی گردیده است:

- بکارگیری تکنیکهای جدید در این واحدها عملاً کم کاری و بیکاری و در نتیجه مهاجرت وسیع زارعین به شهرها را بدنبال داشت.
- برای حل مسائل مشترک از نظام خودیاری که در روستاها متداول بود و در واقع حاصل تشکل های طبیعی زارعین بود استفاده نشد، چون مدیریت این شرکت ها را واقعاً دولت بعهده داشت.



- تجمع زارعین در این واحدها بیشتر برای اخذ امتیازات دولتی بابت انجام عملیات زیربنایی، وام و ماشین آلات بود تا اعتقاد به کار گروهی، آنهم از طریق تعاونی های تولید روستائی که دیکته شده از طرف دولت بود و زارعین بکلی با آن بیگانه بودند.

در فرایند تولید به علت استقرار مأمورین دولت در این واحدها، به ابتکارات، خلاقیتها و انگیزه های مشارکت مستقیم زارعین کمتر توجه می شد.

**ز- ایجاد سازمانهای عمران منطقه ای در مناطق محروم:**

گرچه مفهوم و روشهای برنامه ریزی و عمران ناحیه ای در جهان نسبتاً جدید میباشد ولی



حرفتهایی که بر اساس آن از سال ۱۳۳۴ تحت عنوان بنگاه عمران دشت مغان، سازمان عمران خوزستان، سازمان عمران منطقه جنوب شرقی کشور، سازمانهای عمران قزوین، جیرفت، کهکیلویه و بویراحمد، سر پل ذهاب و گرگان آغاز شد و هسته اصلی کار در این مورد جلب مشارکت مردم بود ولی این موضوع یعنی جلب مشارکت مردمی به فراموشی سپرده شد. بنابراین نتیجه مورد نظر بدست نیامد. با توجه به اینکه بحث در مورد این سازمانها در حوصله این مقاله نیست فقط به بررسی کلی سازمان عمران دشت قزوین که جنبه کشاورزی آن بر فعالیتهای دیگر میچربد میپردازیم.

زلزله شهریور ماه ۱۳۴۱ تعدادی از قراء دشت قزوین را منهدم نمود. بدنبال این حادثه، تصمیم گرفته شد که بازسازی روستاهای زلزله زده

دشت قزوین آغاز گردد. در پی این تصمیم سازمان مستقل عمران دشت قزوین بوجود آمد. از مهندسين مشاور اسرائیلی تهال خواسته شد که برای عمران دشت قزوین طرحهایی را ارائه دهند. سازمان موظف گردید که اداره امور عمران دهات را از طریق

تعاونی های روستائی بنحوی انجام دهد که بعد از

دو سال از شروع عملیات، اداره امور

روستاها به عهده خود مردم و

تعاونی های آنها واگذار شود.

بجای جلب مشارکت مردم، بار

کلیه هزینه های مربوط به

دوش اعتبارات عمرانی

دولت گذارده شد و عملیات

عمرانی غلط و نامناسب با

شرایط منطقه با اجرا درآمد.

بطوریکه ۱۲۵ ده در یک

محدوده ۴۴۰ هزار هکتاری

برای عمران انتخاب گردید که

در واقع این کار طرحی بود برای

استهلاک هر چه بیشتر و سریعتر

وسائط نقلیه و لوازم و ماشین آلات

کشاورزی. به علت حفر بی رویه چاهها،

ابدهی قنوات از ۲۰۰ میلیون متر مکعب در سال

۱۳۴۱ به ۵۵ میلیون متر مکعب در سال ۱۳۴۷ و ابدهی چاهها از

۷۰ میلیون متر مکعب در سال ۱۳۴۱ به ۲۷۵ متر مکعب رسید. در حالیکه

هزینه های چاه و قنوات قابل مقایسه نبوده و همه هزینه چاهها هم از

اعتبارات عمرانی دولت پرداخت میشد در حالیکه هزینه قنوات توسط

کشاورزان تامین میگردد. این حرکات دوگانگی عجیبی بین مردم و

سازمان عمران ایجاد کرده بود که از کلمات و جملات روستائیان

داخل طرح عمران قزوین کاملاً شنیده میشد اینجا خودمان زراعت

میکنیم و اینجا عمران برای ما زراعت میکند یا این چاه مال ما و آن چاه

مال عمران است. در دو هزار هکتار باغی که سازمان عمران بدون

توجه به شرایط اقلیمی محل بصورت اشتراکی ایجاد کرده بود، زارعین

مداخله ای نداشتند و حتی حاضر به قبول رایگان آنها هم نبودند. بدون

آنکه حتی یک مورد از امور روستاها بخود زارعین و یا تعاونی های آنها

واگذار گردد با داشتن نزدیک به ۱۲۰۰ نفر پرسنل و صرف حدود یک

میلیارد تومان و اثر بسیار ناچیزی در توسعه منطقه همچنان بکار خود

ادامه میداد.

طراحان اولین برنامه عمرانی کشور که به تصویب دولت رسید ولی

مجلس شورا آنها تصویب نکرد، اقدامات بالا را که توسط دولت در

بخش کشاورزی انجام شده بود شرح زیر مورد ارزیابی قرار دادند:

چون جامعه روستائی نهادینه نشده و تعاونی های روستائی

نخواستند جایگزین مالک شده و مدیریت، اعتبار و تخصص را تامین

کند، نظام سنتی تولید بهم ریخت و نظام کار زراعی که بصورت جمعی

به کشت و کار و مرمت و نگهداری قنوات و سایر منابع آب و نحوه

تقسیم حقانته میرداخت از هم گسیخت و بطور کلی تمام تعاونیها

با

## پیروزی انقلاب اسلامی

### و طرفداری ظاهری که از بخش

### کشاورزی بعمل می آمد تصور میشد

### که جامعه روستائی نهادینه خواهد شد

### و میتواند از طریق نهادهای خودجوش اداره

### شود را بعهده گرفته

### شمار مأمورین دولت

### که این جامعه را تیول

### خود دانسته و همه

### تصمیمات را بجای

### آنها میگرفتند

### نجات یابد.

تحت سرپرستی و مدیریت دولت درآمد و اینکار همچنان به قوت خود باقی است.

- ایجاد شرکتهای سهامی زراعی بوسیله دولت و دادن سهم به زارع احساس مالکیت زمین را از زارعان سلب نموده و تعداد معدودی از زارعان بصورت مزدور و کارگر ساده زراعی باقیماندند و بقیه به شهرها مهاجرت نمودند. مدیریت این واحدها به صورت دولتی بوده و همچنان باقی است. هزینه های هنگفتی از خزانه مملکت برای این واحدها صرف گردید.

- سوق دادن بخش عظیمی از اعتبارات دولت و بانکها به سوی واحدهای بزرگ و محروم ماندن واحدهای دهقانی از این اعتبارات سبب شد که بخش دهقانی برای تامین نیازهای خود به نزول خواران و واسطه ها و سلف خراهای شهری متوسل شده و بهره های سنگینی بابت وامهای خود پرداخت نمایند.

با صرف اعتبارات هنگفت بدون توجه به بازده اقتصادی، اجتماعی و فنی، واحدهای بزرگ دولتی، خصوصی و خارجی به مقیاسهای استثنایی در جهان (از لحاظ وسعت) ایجاد شد.

- با چنین برداشتهایی بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی کشاورزان بظاهر از اهمیت خاص برخوردار و به عنوان محور رشد و توسعه انتخاب شد و شور و شوق فراوان برای اصلاح وضع کشاورزی به منصفه ظهور رسید. هدف اصلی نیز ظاهراً احیای کشاورزی کشور و افزایش تولیدات کشاورزی بمنظور خودکفایی تعیین شد.

چو بوجود آمده و حاکم موجب شد که اقدامات زیر صورت پذیرد:  
- با رای اعضا ۸۸ شرکت از ۹۳ شرکت سهامی زراعی ایجاد شده منحل گردید.

- شرکتهای کشت و صنعت ایجاد شده در خوزستان به صورت داخلی و خارجی منحل و اراضی آنها به تصرف وزارت کشاورزی درآمد.

۲۱ شرکت از ۳۹ شرکت تعاونی تولید روستایی بنا به رای اعضا این شرکتها منحل گردیدند.

- بهره بردارهای بزرگ که با اعتبارات سیستم بانکی بوجود آمده بودند صحنه را رها کردند و غالب آنها مصادره گردیدند.

- شرکتهای تعاونی روستایی بدون آنکه انقلاب در آنها اثری بگذارد همچنان در تیول سرپرستان دولتی و اتحادیه آنها بوسیله مدیران دولتی اداره میشوند و از این راه هزینه هنگفتی به خزانه دولت تحمیل گردیده و زارعین عضو هم نتیجه ای از آنها بدست نیاوردند

### ۳- انقلاب و جامعه روستایی:

با پیروزی انقلاب اسلامی و طرفداری ظاهری که از بخش کشاورزی بعمل می آمد تصور میشد که جامعه روستایی نهادینه خواهد شد و میتواند از طریق نهادهای خودجوش اداره امور خود را بعهده گرفته و از شر مامورین دولت که این جامعه را تیول خود دانسته و همه تصمیمات را بجای آنها میگرفتند نجات یابد. ولی متأسفانه نه تنها این نقیصه در جامعه روستایی رفع نگردید بلکه شرایطی بوجود آمد که ذیلاً به بعضی از آنها اشاره میشود:

### الف- بلا تکلیفی مالکیت و اداره امور زمین:

با وجود ۹ بار قانونگذاری در مورد زمین، معهداً وضع مالکیت اراضی بدون توجه به مقدار آن هنوز تثبیت نگردیده و اراضی زارعین پیوسته برای تغییر کاربری در معرض تجاوز واحدهای مختلف از آنجمله سازمان زمین شهری، سازمان جنگل ها و مراتع، هیئتهای هفت نفره، واحد اراضی وزارت کشاورزی و شهرداریها قرار گرفته، بطوریکه هیچ یک از مالکین اراضی صرفنظر از مقدار اراضی مورد تملک خود تأمینی برای آینده ندارند.

### ب- نظامهای بهره برداری جدید:

تعاونیهای تولیدی کشاورزی مشاع نظام بهره برداری جدیدی است که توسط هیئتهای هفت نفره واگذاری زمین ابداع و پس از تصویب قانون واگذاری و احیاء اراضی مصوب شورای انقلاب از



**تعاونیهای تولیدی کشاورزی مشاع نظام بهره برداری جدیدی است که توسط هیئتهای هفت نفره واگذاری زمین ابداع و پس از تصویب قانون واگذاری و احیاء اراضی مصوب شورای انقلاب از سال ۱۳۵۹ ایجاد شد. هدف اصلی از ایجاد واحدهای تولیدی مشاع آنست که نفرات واحدهای کوچک معیشتی به حداقل رسانده شود. بی آنکه زمین از مالکیت زارعی که بر روی آن کار میکند خارج شود.**

سال ۱۳۵۹ ایجاد شد. هدف اصلی از ایجاد واحدهای تولیدی مشاع آنست که نترات واحدهای کوچک معیشتی به حداقل رسانده شود، بی آنکه زمین از مالکیت زارعی که بر روی آن کار میکند خارج شود. یکی از شرایط عضویت در این تعاونیها آنست که عضو مشاعی باید حتماً زارع بوده و روی زمین کار کند. در ضمن باید کوشش بعمل آید تا افراد به نحوی انتخاب شوند که حتی نیازی به استخدام کارگر نباشد. بررسی های انجام شده در ۵۸۴ گروه مشاع در استان کرمان نتایج زیر را نشان میدهد.

تنها ۸ گروه مشاع در استان کرمان اراضی خود را تفکیک و تقسیم نکرده اند و بصورت واقعی فعالیت مشاعی دارند. بقیه گروهها جملگی اراضی خود را تقسیم کرده اند.

- این نتیجه حاصل شده است که اگر کشت به صورت اجباری

یکپارچه باشد در آن صورت نیز اختلافاتی از نظر فعال و غیر فعال بودن اعضا ایجاد میشود.

- در مورد مالکیت تراکتور به این نتیجه رسیده اند که مدیریت صحیح در کارکرد آن اعمال نمیشود و نگاهداری از آن به خوبی انجام نمیشود.

- ۹۷ درصد اعضا واحدهای مشاعی فاقد هرگونه تخصص و مهارت خاص بوده اند.

- ۱۷ درصد واحدهای مشاعی برای شخم مزارع و یا کار در مزارع چغندر و جالیز و یا هنگام برداشت محصول گندم از نیروی کار غیر عضو استفاده کرده اند.

موضوع ارت در واحدها مشاعی هنوز نامشخص است و اگر چاره ای اندیشیده نشود در آینده مشکل ایجاد خواهد شد.

- عرضه خدمات به اعضا واحدهای مشاعی دچار بی نظمی زیاد است و بعلت بی توجهی در ارائه خدمات این عده از کشاورزان تهی دست مانده اند و عملکرد آنها موفقیت آمیز نیست.

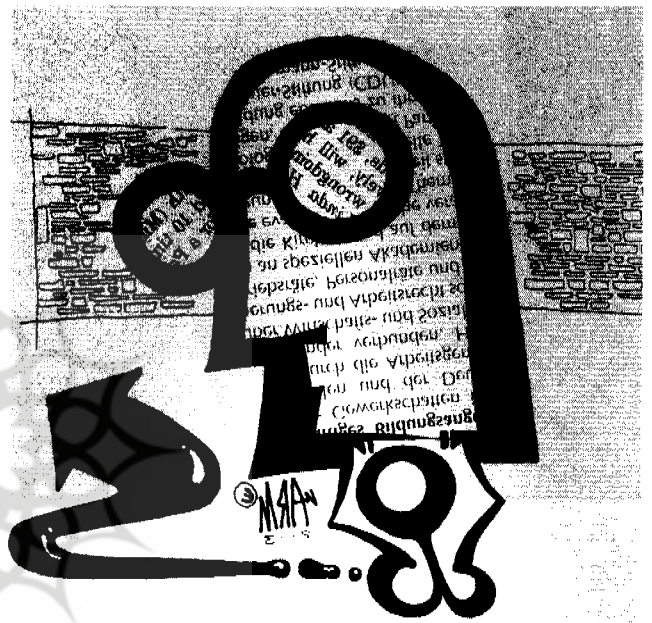
### ج- توسعه کشت و صنعت:

عملکرد گذشته این نوع واحدها را میتوان در نامه ای که به تاریخ ۲۰/۱۰/۵۵ بانک توسعه کشاورزی ایران (سابق) به شورای عالی این بانک نوشته است جستجو نمود: این بانک به منظور حفظ حقوق خود از نظر مطالباتی که از شرکتهای کشت و صنعت دارد و نیز در تلاش بخاطر اجرای طرحهای کشت و صنعت تصمیم گرفت با انجام تشریفات قانونی لازم، موارد رهن وثیقه مطالبات خود را که تقریباً کلیه لوازم و مستحقات و اموال شرکتهار را تشکیل میدهد تملک کند و حق استفاده از زمینهای محل اجرای طرحها را که در اجاره شرکتهاست به خود منتقل ساخته. راساً و یا از طریق عقد قرارداد با یکی از شرکتهای خدمات، مدیریت اداره طرحها را بعهده گیرد. در اجرای نظر مذکور این بانک مبادرت به صدور اجرائیه نموده و عملیات اجرایی در دست انجام است.

با توجه به عملکرد بسیار ناموفق انواع کشت و صنعتها که دولت بنحوی از انحاء در آنها درگیر بود، ولی وزارت کشاورزی مجدداً وارد معرکه شد و این بار ۱۲۰ هزار هکتار از اراضی که قسمت عمده آن زیر کشت بود و توسط زارعین در آنها کار میشد، مصادره، تصرف و یا خریداری کرد. بر آورد اولیه سرمایه مورد نیاز حدود ۴۰۰ میلیارد ریال و ۵/۵ میلیارد دلار بود. دوره پنجساله اول تمام شد و پنج سال دوم هم در شرف اتمام است ولی هنوز دستگاه اجرایی ذریبط در خم یک کوزه است. در حالیکه دو واحد موجود کارون و هفت تپه پس از چندین سال هنوز تولید آنها به نصف ظرفیت اسمی آنها نرسیده است. اگر این منابع و زمینها در اختیار زارعین قرار میگرفت هم بیکاری کاهش و هم بهره وری افزایش می یافت و هم نیاز به واردات کاهش چشم گیری می یافت.

د- نگاهی به تعاونی های غیردولتی بعد از پیروزی انقلاب:

طراحان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به تجربه های تلخ عملکرد بخش های دولتی و خصوصی به این نتیجه رسیده بودند که باید راه سومی را انتخاب کرد که باعث جلب مشارکت تعداد کثیری از افراد جامعه شود. از اینرو نظام اقتصادی جمهوری



**طراحان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با توجه به تجربه های تلخ عملکرد بخش های دولتی و خصوصی به این نتیجه رسیده بودند که باید راه سومی را انتخاب کرد که باعث جلب مشارکت تعداد کثیری از افراد جامعه شود. از اینرو نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی پی ریزی شد. گرچه دولتی کردن کلیه امور سرعت زیادی پیدا کرد ولی راه تعاونی نیز مورد توجه قرار گرفت**



اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی پی ریزی شد. گرچه دولتی کردن کلیه امور سرعت زیادی پیدا کرد ولی راه تعاونی نیز مورد توجه قرار گرفت به ویژه آنکه مسئله فرار صاحبان کارخانه ها، جنگ تحمیلی و تعطیلی واحدهای تولیدی، بیکاری قشر عظیمی از مردم به ویژه جوانان تصمیماتی در این زمینه اتخاذ شد. آنچه مربوط به گذشته بود مانند شرکت های سهامی زارعی و تعاونی های تولید روستایی غالباً به درخواست اعضاء منحل شدند. تعاونیهای روستایی هم به همان صورت قبل از انقلاب یعنی دولتی باقی ماند و بعد از سی و پنج سال سرمایه هر یک از اعضاء تعاونیهای روستایی هنوز به ۴۰۰۰۰ ریال نمیرسد.

بیشتر زارعین، ساختار دولت در بخش کشاورزی باید مورد تجدیدنظر قرار گرفته و حداقل در مرحله اول، مصوبات بیست و هشتمین، سی و پنجمین و سی و هشتمین جلسات شورایی عالی اداری که به بوته فراموشی سپرده شده بود بطور کامل بمرحله اجرا درآمده و امور مربوطه هر چه زودتر به کشاورزان واگذار شود.

۳- کلیه قوانین و مقررات و دستورالعملها و رویه هایی که سبب شده از سال ۱۳۴۱ زارعین بصورت اکثریتی خاموش درآمده و ناظری بی طرف باشند هر چه زودتر مورد بررسی قرار گرفته، لغو و یا اصلاح گردد.

۴- قانون بخش تعاون در صورت لزوم مورد تجدیدنظر قرار گرفته

تعاونیهای بخش تعاون که به فعالیتهای کشاورزی اشتغال دارند بالغ بر ۵۰۰۰ تعاونی هستند که در چهار رشته زراعت، جنگل و مرتع، دام و طیور، تکثیر و پرورش میگو و ماهی فعالیت دارند. تا پایان سال ۱۳۷۵ این نوع تعاونیها دارای ۷۴۲۱۱ نفر عضو و کلاً سرمایه آنها بالغ بر ۱۰۸۷۶ میلیارد ریال بوده است، بطور متوسط هر یک از اعضاء دارای سرمایه ای بالغ بر ۱۴ میلیارد ریال بوده که قابل مقایسه با تعاونیهای روستایی دولتی که کمتر از ۴۰۰۰۰ ریال است (حدود سی برابر) نیست.

## ۵- چگونگی شکل دادن به جامعه مدنی در بخش کشاورزی

از آنچه تاکنون مورد بحث واقع شد این نتیجه عاید میشود که بعلت روابط موجود بین دولت و کشاورزان و سی و پنج سال مدیریت مستقیم دولت در بخش کشاورزی و عدم توجه به فراهم نمودن زمینه های لازم برای آموزش زارعین به منظور بعهدہ گرفتن مسئولیت اداره امور خود در برخورداري از حداقل حقوق یک شهروند،

بصورت فقیرترین قشر جامعه در آمده و از فرآیند توسعه بکلی محروم مانده اند. این اغماض و فراموشی جامعه روستایی توسط دولت باید بنحوی جبران و زمینه لازم برای تحقق جامعه روستایی فراهم گردد.

با توجه به مطالب فوق ساماندهی بخش کشاورزی بمنظور شکل دادن به جامعه مدنی در این بخش قطعی بنظر رسیده و ضروری است که نسبت به جامعه شهری در اولویت قرار گرفته و به نکات زیر توجه لازم مبذول گردد:

۱- اداره و تصمیم گیری در روستاها بایستی مستقل از دولت بوده و توسط روستائینان صورت گیرد.

۲- بر اساس واگذاری کار مردم به مردم و جلب مشارکت هر چه



و شرایطی فراهم شود که کلیه تعاونیها و اتحادیه های آنها از یک قانون که مورد قبول آنهاست تبعیت نمایند و سریعاً نسبت به اصلاح اساسنامه های خود اقدام نموده و دولت از هر نوع دخالت در امور تعاونیها خودداری و فقط وظیفه راهنمایی و نظارت را بعهدہ داشته باشد.

۵- سازمان مرکزی تعاون روستایی با کلیه اختیارات، اموال و دارائیها به جبران سی و پنج سال عقب نگذاشتن جامعه روستایی، بصورت بلاعوض به تعاونیها و اتحادیه های آنها واگذار شود.

۶- وزارت کشاورزی یا وزارت جهاد کشاورزی و دستگاههای اجرایی ذیربط که به نحوی از آنها در این بخش استفاده میشود از مباشرت مستقیم در امور تولید معاف شده و به غیر از مزارع آزمایشی بقیه بر اساس ماده ۱۸ قانون بخش تعاون به تعاونیها و اتحادیه های آنها واگذار شود.

## پس از پیروزی انقلاب اسلامی کشاورزی بظاهر از اهمیت خاص برخوردار و به عنوان محور رشد و توسعه انتخاب شد و شور و شوق فراوان برای اصلاح وضع کشاورزی کشور ظهور رسید. هدف اصلی نیز قلمرو احیای کشاورزی کشور و افزایش تولیدات کشاورزی بمنظور خودکفایی تعیین شد.

۷- کارکنان این واحدها در صورت تأیید صلاحیت، از دولت منفک شده و به عضویت تعاونیها درآیند.

۸- کاهش تدریجی دخالت مستقیم وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی و بازرگانی در زمینه خرید و توزیع محصولات کشاورزی، بطوریکه علائم بازار بطور طبیعی کار کرده و تعیین کننده کاربرد منابع باشد.

۹- زمینه‌های لازم باید برای کاهش انحصارات دولتی در زمینه تأمین نهاده‌های کشاورزی فراهم گردیده و بتدریج این امور به تعاونیها و اتحادیه‌های آنها واگذار گردد.

۱۰- کاهش تدریجی دخالت دولت در امر خرید و فروش گندم، آرد و نان، بطوریکه در طی پنج سال، نیمی از مسئولیتهای دولت در این زمینه به تعاونیها و اتحادیه‌های تعاون روستایی، نانوایان، کارخانه‌داران، کامیون‌داران با نظارت هیئت سه نفره نمایندگان کشاورزی، تعاون و بازرگانی واگذار شود.



۱۱- بمنظور توسعه و شکوفایی این نهاد مردمی و خودجوش (تعاونیها و اتحادیه‌های آنها) لازم است اقداماتی بشرح زیر انجام شود. - بکار گرفتن اعضای تعاونیها و اتحادیه‌های آنها در نقش مدیر و اداره کننده. این موضوعها برای توسعه فعلی و آینده آنها بسیار مهم بوده و از طریق اجرای دوره‌های آموزشی کاربردی خاص قابل تأمین است. بتدریج این امور باید به خود اتحادیه‌های تعاونی واگذار گردد.

- بمنظور فراهم نمودن جو مناسب برای توسعه نهاد تعاونی و حمایت آنها ضروری است که واحدهای در دولت تلاش مداومی بمنظور هماهنگ ساختن سیاستهای دولت با امور تعاونیها بعمل آورده تا از تغییر سیاستها صدمه‌ای متوجه این نهاد مردمی نگردد.

- سیاستهایی که بوسیله دولت تدوین و به مرحله اجرا در می‌آید، باید روشن، سازگار با شرایط موجود و واقع بینانه بوده و جایی برای تفسیر و تغییر باقی نمانده و این نهاد مردمی آلت فعل مامورین دولت قرار نگیرد.

- یکی از ضرورت‌های اولیه، انجام حسابرسی در شرکتها و اتحادیه‌های تعاونی است زیرا از این طریق است که اعضای تعاونیها با عملکرد تعاونی خود آشنا و از امور مالی آن آگاه میگردد. این نوع امور معمولاً در دست مامورین دولت است و نتیجه مناسبی هم ببار نمی‌آورد. ضروری است که صورتی از شرکتها و متخصصین حسابرسی تهیه و پس از تشخیص صلاحیت آنها رسماً اعلام تا تعاونی

و اتحادیه‌های آنها به این موسسات و افراد صلاحیت دار برای امور حسابرسی خود مراجعه نمایند.

- ارائه خدمات مشاوره مدیریت مورد نیاز تعاونیها و اتحادیه‌های آنها ضروری است که صورتی از افراد یا مؤسسات که دارای صلاحیت لازم هستند و مورد تأیید قرار گرفته‌اند به تعاونیها و اتحادیه‌های آنها از طریق جرائد معرفی گردند تا تعاونیها و اتحادیه‌های آنها در هنگام نیاز به آنها مراجعه کرده و بر اساس تعرفه‌های مربوط با آنها قرارداد امضاء نمایند.

تجهیز منابع و جمع‌آوری پس اندازها و سپرده‌ها و تأمین اعتبار از مواردی است که مشکل تأمین سرمایه تعاونیها را در حد زیادی برطرف کرده است. صندوق تعاون که شعب آن در سراسر کشور بوجود آمده موفق شده که با شرایط مناسب تری نسبت به بانکها و مؤسسات اعتباری به جمع‌آوری سپرده‌ها و پس اندازهای تعاونیها پرداخته و اعتبار مورد نیاز آنها را مستقیماً در اختیار تعاونیها و اتحادیه‌های آنها بگذارد و ضروری است تا نسبت به افزایش سرمایه این صندوق اقدام لازم معمول شود

۱۲- وزارت جهاد کشاورزی انحصاراً وظیفه ایجاد زمینه افزایش تولید محصولات زراعی، دامی و افزایش کارایی و بهره‌وری از نهاده‌های موجود، آموزش و ارتقاء دانش نیروی انسانی، افزایش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی را بعهده داشته و امور تجاری و فعالیت‌های تولیدی، نگاهداری، خرید، فروش و توزیع و مانند آنرا باید به مردم واگذار کند.

## مراجع مورد استفاده

- ۱- مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۶۸-۶۷، تهران، مؤسسه اطلاعات
- ۲- گزارش مورخ ۶۸/۲/۱۶، فهرست جهاد سازندگی (سابق) به سازمان برنامه و بودجه
- ۳- مارکس و مارکسیسم، ترجمه شجاع‌الدین ضیائیان، انتشارات دانشگاه تهران، صفحه ۱۲۰، سال ۱۳۵۲
- ۴- دکتر موسی غنی‌نژاد، مجله فرهنگ توسعه، شماره ۶، صفحات ۵۰-۵۵
- ۵- مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۱۲۶-۱۲۵، مؤسسه اطلاعات
- ۶- مجله سنبله، شماره ۹۲، سرمقاله
- ۷- قانون تعاونی کردن تولید و یکپارچه کردن
- ۸- گزارش ارزیابی عملکرد سازمان عمران قزوین، سازمان برنامه و بودجه، سال ۱۳۴۹، انتشارات سازمان برنامه و بودجه.
- ۹- کتاب ره‌آورد، نشریه وزارت تعاون، خردادماه ۱۳۷۶.

## پی‌نوشت‌ها

- ۱- گزارش مورخ ۶۸/۲/۱۶ وزارت جهاد کشاورزی به سازمان برنامه و بودجه
- ۲- مارکس و مارکسیسم، ترجمه شجاع‌الدین ضیائیان، انتشارات دانشگاه تهران، صفحه ۱۲۰، سال ۱۳۵۲
- ۳- دکتر موسی غنی‌نژاد، مجله فرهنگ توسعه، شماره ۶، صص ۵۵-۵۰